



نشریه فرهنگی سیاسی صنفی دانشجویان علوم پزشکی فسا
 سال سوم، شماره دهم، اسفند ۹۷ صاحب امتیاز: کانون کفا
 مدیرمسئول: محمد راسخی کازرونی سردبیر: حسین نوروزی
 هیئت تحریریه: الهه استوار، امین دخیلی، محمد محمدی رابع،
 محمد راسخی، سعید رحیمی

یادداشت

جوان ناکام

چند شب پیش ناگهان پیامی در یک کانال تعجب و تأثر فراوانی ایجاد کرد. فوت یک دانشجوی هم سن و سال های خودم. مصطفی مجاب. در پیام های تسلیت هر چه نگاه می کردی نوشته بود دانشجوی جهادگر. چند روز پیش پوسترش را زده بودند برای تقدیر. جایزه برده بود از وزارت بهداشت برای همین فعالیت های جهادی اش. یعنی یک فردی از بین ما رفته است که از لحاظ روح انسانی بزرگ بوده. یکی دو روز بعد اما آگهی تسلیت را که می بینم تصوراتم از او به هم می ریزد. در اعلامیه نوشته جوان ناکام!

این «ناکام» بلافاصله بعد از جوان مطرح میشود و گفتی مهمترین صفت است برای موصوف مان. نا کام البته به عقیده به کار برندگان همان ازدواج نکرده معنی دارد ولی مجموعه وسیعی از مفاهیم را پشتیبانی میکند. به آرزو نرسیده! ما چه میدانیم هدف یا آرزوی یک فرد در زندگی چیست؟ ولیکن حتما خوب می دانیم ازدواج غایت و هدف برای انسان نیست. چه بسا که فردی در همین جوانی (و مجردی!) بمیرد ولی ارزشش بسیار بیشتر باشد از خیلی پیرها و اتفاقاً به هدفش هم رسیده باشد که نمونه اش هم کم نیستند. مثل شهدای جوان مان. حالا یک عده حتماً هستند که بگویند خب شهدا فرق دارند. درست است اما این شهدایی که ما میشناسیم و لفظی حقوقی و فقهی نیز هست آنهایی اند که در جنگ کشته می شوند غالباً، اما مگر شهید فقط همین است؟ حدیثی داریم که «مؤمن در هر حال و زمانی که بمیرد، شهید است» یا مثلاً فرض کنید کسی که سال ها در جبهه جنگیده و حالا برگشته و تصادف کرده و فوت شده دیگر می شود جوان ناکام؟ یا مثلاً کسی که سال ها در اهداف خیر و الهی تلاش کرده. در راه اعتقاداتش عرق ریخته و به قول شریعتی در راه انسان ((شدن)) گام برداشته است (یعنی کاری که همه مان باید بکنیم) حالا آمدیم و در جوانی فوت کرد ما بهش بگوییم ناکام؟ جان کلام این است که آن ناکام و به آرزو و مراد نرسیده ای که میگوییم ربطی به جوانی و پیری ندارد.

حالا در مورد مصطفی هم همین امر صادق است. آیا ناکام بود؟!

گزارش

مشاوره زیر تیغ نقد

یک نظرسنجی در فضای مجازی نشان می دهد ۹۰ درصد دانشجویان از عملکرد اداره مشاوره راضی نیستند!
 اتاق مشاوره خوابگاه چیست؟!



چند روز پیش از جانب یکی از کانالهای دانشجویی -کانال دانشجویان - عملکرد اداره مشاوره دانشگاه مورد بررسی و نظرخواهی از دانشجویان قرار گرفت که مشروح آن بدین صورت است: مرکز مشاوره یکی از حساس ترین سازمان های دانشگاه است؛ چرا؟ چون با روح و روان دانشجویان سر و کار دارد و عملکرد آن در برخی پرونده ها می تواند جان یک انسان را نجات دهد یا برعکس، آخرین روزنه امید زمینی اش را ببندد، اواخر ترم پیش از سوی برخی کارشناسان خارج از دانشگاه از اداره مشاوره دانشگاه بازدید شد و در مورد عملکرد این نهاد از دانشجویان تحقیق شد.

سوال اساسی این است مشاوره روحی و روانی دانشجویان از لحاظ علمی، اخلاقی و شخصی تا چه حد موفق بوده؟ و یا هفتگی و حتی ماهانه چقدر به خوابگاه دانشجویی و دانشجویان سر می زنند و مشکلات و دغدغه های آنان را بررسی می کنند؟ از سوی دیگر باید پرسید آیا مشاوران دانشگاه از لحاظ علمی و تخصصی جایگاه مناسبی دارند و پاسخگوی نیاز های دانشجویان هستند؟ و یا شاهد گسیل دانشجویان به مشاوره خارج از دانشگاه با هزینه های شخصی بوده ایم...؟ ادامه در صفحه ۳

سرپل ذهاب در آستانه نوروز

فارس نیوز/ معین نیری

تصویر



آبان ۹۶، کرمانشاه، در حال خدمت‌رسانی به زلزله‌زدگان
عکس از حمیدرضا دارابی



بیست و سوم آبان با بچه‌ها رفتیم
کرمانشاه. دو هفته آنجا بودیم.
کانکس بر پا می‌کردیم. سرویس
بهداشتی ساختیم. مصطفی
اونجا هم کار درمانی می‌کرد هم
کار عمرانی. در دو تا کمک می‌داد.
بچه‌های خودمون هم که اونجا
مریض می‌شدن مرتب مثل یه مادر
بهشون می‌رسید

حاج آقا دارابی، امام جماعت مسجد دانشگاه

سعید رحیمی

هنری ادبی

بی‌قرار یک رفیق

رفتنت گرچه قرار از ما گرفته مصطفی
جای خالی تو در دل جا گرفته مصطفی

ذهن ما گرچه بسی نمناک و سرمایی شده
یاد تو در فکر ما گرما گرفته مصطفی

شوخ‌طبعی‌های تو آن خاطرات پر ز مهر
بعد از ابرازش فقط اما گرفته مصطفی

سایه‌ات شد سین پنهان درون هفت سین
پنجره‌ی سال نو مان‌ها گرفته مصطفی

زود اما دست پر، پربار رفتی ای رفیق
"گام" تو شد یادگارت بین ماها مصطفی

اطلاعاتی جزئی از مرحوم مجاب

او متولد دی‌ماه ۱۳۷۶ است؛ در زاهدشهر
شغل پدرش آزاد است و مادرش هم فرهنگی
ورودی ۹۵ پرستاری است
توی «مفدا» دبیر سرویس فرهنگی بود
به تازگی کانون «گام» را راه انداخته‌بود و خود
نیز دبیرش بود
بیش از ده بار اردوی جهادی رفته. چندتایش
را پیدا کردیم: دهشیب، وکیل آباد شده، له
قربانی مقابری، مصلی نماز جمعه، مسجد حمزه
فسا، کرمانشاه، چاه دولت، پاکسازی محیط
زیست جنگل

یادداشت پس‌گردنی!

محمد محمدی رابع

عصر یکشنبه، نوزدهم اسفند ۹۷، سر کلاس تفسیر، بحث فلسفه شد. پرسید
این «فلسفه» اصلا به چه دردی می‌خورد؟ استاد پاسخ واضحی نداشت و مصطفی
هیچ‌گاه اهمیت فلسفه را درک نکرد. کلاس که تمام شد غروب بود و آخرین باری
که دیدمش. دو شب بعد، یعنی بیست و یکم، با دیدن یک استوری چشمانم گرد
شد و بهت‌زده به خودم گفتم شوخی بی‌مزه ایست!

اما کاش شوخی بود...

ظرف یک ساعت استوری‌های بهاری خزان شدند. از ورودی‌های ۹۷ که شاید
فقط او را از دور دیده بودند بگیر تا فارغ‌التحصیلان ورودی ۹۳ هرکس به نوعی تأثر
خود از این ضایعه را در فضای مجازی نشان می‌داد. او را با نام «جهادگر نمونه»
یاد می‌کردند. تسلیت‌های بخش‌بخش دانشگاه خودمان به کنار، علوم پزشکی
ایلام هم تسلیت گفت. هرکس نقطه مشترکی با مصطفی را به یاد می‌آورد و با
بهت و اندوه آن را با استوری قاب می‌کرد. از یک پت خصوصی تا عکس‌هایی
که خود مصطفی از آنها گرفته بود. من هم مستثنی نبودم؛ کامنتی زیر پستم
گذاشته بود آن را با اشک استوری کردم. عکس پروفایل کنونی اینستاگرامم را هم
مصطفی گرفته بود...

بارها این روزها خودم را جای مصطفی گذاشتم و مقایسه کردم. اگر من جای مصطفی
بودم جای «جهادگر نمونه» برایم چه مینوشتند؟ با چند نفر با مهربانی و روی خوش
پت کرده‌ام؟ اطرافیانم از من چه خاطراتی دارند؟ عمیق‌تر که میشدم می‌پرسیدم:
من چه کارخوبی دارم که در قبر دست خالی نباشم؟ چند اردوی جهادی در کارنامه
اعمالم دارم؟ در زمان حیاتم بارها زلزله آمد. چندبار آهنگ کرمانشاه کردم؟

مصطفی بیش از ۱۰ اردوی جهادی در کارنامه خود داشت. از جمله آنها حضور
در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه بود. رفتن مصطفی دردی بود که فراموش نمی‌شود اما
کاش این نکته را هم فراموش نکنیم که مرگ در همین نزدیکیست. خبر نمی‌کند.
دستمان به خیر باشد. حتی در حد یک لب‌خند زدن هم که شده، لحظات خوشی
را برای یکدیگر بسازیم. شاید مرگ عزیزان و اطرافیان یک «پس‌گردنی» محکم
هم باشد که بیشتر حواسمان را جمع کنیم.

گرچه دیگر فرصت درک لزوم «فلسفه» را نیافتی اما تو خود «فلسفه» لزوم درک
فرصت‌ها بودی

راحت ادامه دارد مرد جهادی...

روح شاد مصطفی جان

هفته‌ای که گذشت...

محمد راسخی



پنجشنبه: روزنامه «شهروند» گزارشی را منتشر کرده در مورد بعضی رشته‌های عجیب و غریب در دانشگاه‌های خارج از کشور. یکی از آنها را بخوانید. «انگلستان: از هوگوارتز و هری: مطالعه فشرده هری پاتر از طریق جزایر بریتانیا» دانشگاه مرکزی میشیگان (دانشکده زبان و مطالعات خارجی) 📖 در این واحد دانشجویان کتاب‌های جی. کی. رولینگ را می‌خوانند و برای ۱۰ روز به انگلستان می‌روند تا مکان‌های تاریخی‌ای را که داستان‌های هری پاتر از آنها الهام گرفته شده است از نزدیک ببینند. قصر ادینبرو، کتابخانه بودلیان، کلیسای مسیح در دانشگاه آکسفورد و برج لندن از جمله مکان‌هایی است که دانشجویان این واحد درسی آنها را مطالعه می‌کنند.

چهارشنبه: فاطمه املائی در «وطن امروز» به بررسی انیمیشن «مرد عنکبوتی: به درون دنیای عنکبوتی» از زاویه‌ای متفاوت پرداخته. این فیلم بر اساس تئوری «جهان‌های موازی» مدعی می‌شود که به تعداد جهان‌های موازی، ممکن است اسپایدرمن وجود داشته باشند. در دیالوگ‌های شخصیت‌های اصلی پیترو پارکر و مایز اشاره می‌شود که هرکس به تنهایی یک سوپر قهرمان بالقوه است. در این انیمیشن، ایمان به خود موضوعیت پیدا کرده تا جایی که جمله‌ای حاوی این معنا که لازمه تاثیرگذاری افراد در جایگاه «مرد عنکبوتی» نه پوشیدن لباس مخصوص که «ایمان به راه» است از زبان یکی از کارکترها گفته می‌شود.



سه شنبه: روزنامه «ابتکار» گزارش ایسنا را از وضع دندان پزشکی چاپ کرده. بخشی از سخنان دکتر حمید صمدزاده رییس اداره سلامت دهان و دندان وزارت بهداشت: مشکل دهان و دندان در بیش از ۹۰ درصد افراد جامعه ما وجود دارد/با اجرای طرح تحول توانستیم نزدیک به ۱۷۰۰ دندان‌پزشک را در روستاها و به‌ویژه مناطق محروم جذب کنیم که خدمات خوبی را در روستاها و مناطق محروم ارائه می‌کنند/یکی از مشکلاتمان در روستاها این بود که مردم حداقل پولی را که باید برای یک کشیدن دندان می‌دادند، نداشتند. در این راستا ... خدماتی را برای گروه‌های هدف رایگان کردیم که استقبال خوبی شد.

دوشنبه: «کیهان» به ۱۰ ابهام و سوال مورد فساد در پتروشیمی پرداخت از جمله: ۶/۶ میلیارد یوروی عنوان شده میزان کل تراکنش‌های متهمین بوده نه مبلغ فساد. قاضی دادگاه همچنان می‌گوید: «این‌گونه نیست که بیان کنیم ۱۰۰ هزار میلیارد تومان توسط این افراد تصاحب شده باشد بلکه بحث تصاحب منافع مطرح است. بنابر این بحث اختلاس مطرح نیست بلکه بحث اخلاف در نظام اقتصادی مطرح است و مبالغ سوءاستفاده‌های متهمان هم غالباً ۱۵ میلیون یورو یا ۸ میلیون دلار یا ۳۱ میلیارد تومان است پس این به معنای تصاحب ۱۰۰ هزار میلیارد تومان نیست.»

در ادامه نیز نظرسنجی در مورد رضایت دانشجویان از اداره مشاوره انجام شد که نتایج بدین ترتیب بود:

عملکرد مرکز مشاوره و تخصص و کارآمدی مشاوران دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
عملکرد عالی و مناسب (۸) ۶٪
عملکرد متوسط (۱۶) ۱۲٪
عملکرد ضعیف و نامناسب (۱۱۳) ۸۲٪

این نظرخواهی از دانشجویان واکنش دانشجویان را نیز به همراه داشت که مطلب زیر یکی از اینهاست:

ای کاش این پیام رو از طرف دانشجویان در کانال تلگرام دانشجویان قرار دهید که ما اصلاً چند ترمه که در خوابگاه دانشجویی هستیم ولی هنوز هیچ مشاوره‌ی رو ندیدم و چند روز پیش هم قبل از اومدن بازرسای مشاوره اتاق TV رو با چسبوندن یک پوستر تبدیل به اتاق مشاوره کردن!!، به نظرم یا باید یک اصلاح ساختاری و عملکردی مناسب در مرکز مشاوره بدن و یا به جای پرداخت هزینه برای کارمندان این بخش، اداره مشاوره رو تعطیل کنند و پولش رو هرچند کم به حساب دانشجویان واریز کنند تا به مشاوره بیرون مراجعه کنند، ممنون.

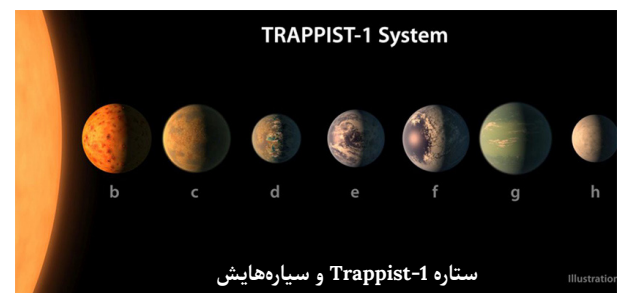
به نظر میرسد دانشجویان نه تنها از عملکرد اداره مشاوره راضی نیستند بلکه بسیاری ان را نیز نمی‌شناسند!!! که امیدواریم دانشگاه و معاونت فرهنگی و دانشجویی و اداره مشاوره پاسخگو عملکرد و نظرات دانشجویان باشند، شایان ذکر است مسئولین هیچ عکس‌العملی نسبت به این نظرخواهی از دانشجویان نداده‌اند. البته نباید منکر زحمات و تلاش‌های صورت گرفته نیز شد. نقد ما برای پیشرفت این اداره است.



جمع آوری کننده:
امین دخیلی اردستانی

ناسا هفت سیاره‌ی شبیه زمین را کشف کرد

ناسا منظومه‌ای متشکل از هفت سیاره‌ی تقریباً هم‌اندازه‌ی زمین را کشف کرد؛ سیاره‌هایی با سطح سنگی که آب مایع ممکن است روی همه‌ی آن‌ها وجود داشته باشد. این سیاره‌ها دور یک ستاره‌ی کوچک و کم‌نور در مدارهایی بسیار کوتاه گردش می‌کنند. هر دور گردش این سیاره‌ها به دور ستاره‌ی خود کمتر از دو هفته طول می‌کشد. ستاره‌ی Trappist-1 در فاصله‌ی ۳۹ سال نوری از ما قرار دارد و جرم آن فقط ۸ درصد جرم خورشید است. این ستاره از همان ابتدا توجه گروه را به خود جلب کرد؛ چرا که از افت نور متعدد آن مشخص بود بیش از یک سیاره در مدار آن گردش می‌کند.



ستاره Trappist-1 و سیاره‌هایش

منبع: zoomg.ir

هنری ادبی

صدای بهار

الهه استوار

می شنوی؟ صدای بهار است! بهار را که میشناسی!

همان که تا می آید زمستان کوله بارش را میبندد...

همان که غمها را میبرد و بایش لبفند مینشانند...

بهار نیامده چه غوغایی که به پا نمیشود!

همه با شلوغ، همه با پر هیاهو؛ همه در تب و تاب عید...

همه چیز نو میشود، تازه میشود، آدمی هم زنده میشود...

آفر اسفند که می آید با فردم میگویم کاش همیشه بهار بود پر از رنگ، پر از هیجان.

اصلا همین که سالی یک بار می آید غنیمت است. کدورتها را دور میریزد... دست در دست گم می شود. عشق معنائش را پیدا میکند...

انگاری عزیز کرده ی فصل هاست... کن فیکونی به پا کرده که نگو و نپرس. گلها هم که انگار فهمیده باشند کم کم از خواب بیدار میشوند.

و زمستان که می پندارد بهار، بهارانه ی فویش را وامدار اوست باید برود... باید برود و در عشق را به روی بهارهای نارنج و بنفشه های رنگارنگ بکشد و حضور مقدس شکوفه های بادام را غیر مقدم بگوید.

آن وقت دنوازانة اقا قی ها را استشمام کند و تا چشم بکشد ببیند که چقدر پای پونه های کوهی اش، هیچ اثری از آدم برقی ها نیست...

و من این آمدن را فقیر کودکان دوست دارم... دلها پذیرایش

عید امسال اما فرق دارد

شعری از روزه بمانی که علیرضا عصار برای تیتراژ ویژه برنامه فرمول ۱ خوانده

شب عید است سر سفره ی خالی خوابیم / مادرم زل زده به خالی یک پیمانه
همه خوابیم چرا که پدرم از شرمش / تا نخوابیم محال است بیاید خانه
عید هر سال برای من و اهل خانه / روز خوب پدری هست که دائم سفر است
حال ما را کمی امسال همه می فهمند / عید امسال برای همه روز پدر است
عید می آید اگر بر سر این سفره شبی / دست خالی پدر، مظهر اعجاز شود
قلب این خانه گرفته ست، هوا می خواهد / عید می آید اگر پنجره ای باز شود
عید با سبزه و سیب آمده از راه ولی / بار بر شانه ی ما قد دماوند شده
جای سکه وسط سفره ی عیدم خالیست / ارزش سکه در این شهر مگر چند شده
یک نفر بود که از سفره ی شامش با عشق / کوچه کوچه به یتیمان همه شب نان میداد
کاش امروز هم او بود که جای سکه / آهن تفتنه به امثال عقیلان میداد
عید روزیست که هر سفره پر از نان باشد / عید روزیست که ما حق کسی را نخوریم
نان در این شهر پر از خرمن گندم حتماً / آنقدر هست که ما نان کسی را نبریم
که ما حق کسی را نخوریم



دانلود

آهنگ

(۹MB)

کهریزک

هشت هشتاد



روایت هایی از متن و فرامتن فتنه ی ۸۸

در این بخش از نشریه به گزیده هایی از کتاب «فتنه تغلب» و یا سایر منابع می پردازیم

یکی از مسائلی که حوادث پس از انتخابات را به فتنه تبدیل کرد و جمعی را به گمراهی کشاند، اقدامات مخربی مانند حمله به کوی سبحان و مسئله ی کهریزک و یا اهانت هایی بود که به برخی از علمای وارسته و انقلابی در قم شد؛ و همین، عامل اشتباه در تحلیل و انحراف در موضع و عمل بخشی از مسئولین و نخبگان دانشگاهی و حوزوی شد. این اقدامات خلاف شرع و خلاف قانون و بنابراین خلاف بین نظرات و خواست رهبری بود و به گفته نزدیکان رهبر انقلاب مسببان این فجایع، دانسته یا نادانسته قلب آقا را شکستند و خون به دل ایشان کردند. مرور برخی واکنش هایی که رهبر انقلاب در این خصوص داشته اند گویای حقایق مفیدی خواهد بود. [چگونه کهریزک عامل اشتباه در تحلیل میشود؟ در روایتهای بعدی به آن می پردازیم]

قبل از حادثه کهریزک، گزارشی به آقا میدهند که وضع آنجا نامناسب است. ایشان دستور بررسی میدهند. این دستور به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و قوه قضائیه برای پیگیری ارجاع داده میشود. آقای مرتضوی دادستان وقت تهران مدعی میشود که ما بررسی کردیم، این طوری نبوده است؛ ولی بعدها کمیته ای که آقای وحید یوزیر اسبق دفاع هم عضو بوده، پس از بررسی موضوع اعلام می کنند وضعیت کهریزک نامناسب است. با این سابقه، پس از انتقال برخی از بازداشت شدگان تظاهرات ۱۸ تیر ۸۸ به کهریزک، وقتی آقا از موضوع مطلع می شوند، بلافاصله از طریق آقای حجازی به آقای جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی پیغام می دهند: ((شنیده ام عده ای در آنجا هستند، بگویید ولو اینکه جای دیگر هم برای نگهداری ندارند، همه را آزاد کنند))

... متأسفانه به دلیل تعللی که کردند، آن حادثه ی ناگوار رخ داد؛ اما پس از آن، ظرف کمتر از یک ماه یعنی قبل از نیمه ی مرداد، اقداماتی انجام می شود مانند تعطیلی کهریزک و برکناری برخی افراد و تشکیل پرونده قضایی برای آنها و ... نهایتاً در اسفندماه ۸۸ نیز عاملان آن محاکمه و محکوم می شوند. پس از آن هم با شکایت خانوادگی دو تن از مقتولین، آقای مرتضوی ... در اردیبهشت ماه ۹۷ روانه ی زندان می شود.

کتاب فتنه تغلب، مصطفی غفاری، انتشارات انقلاب اسلامی، صفحات ۸۳ تا ۸۵